

بررسی بحران هویت در بین دانش آموزان

نمونه موردی دانش آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴

• محمد رضا مریدی

** معصومه نغمی زادگان

E-mail: moridi@yahoo.com

چکیده:

هدف این مقاله، بررسی میدانی فرایند هویت‌یابی و بحران هویت در بین دانش‌آموزان است. بحران هویت عبارت است از وجود تزلزل و ابهام در تعریفی که فرد از خود و وجود خود دارد و مانع از آن می‌شود که به سؤالات اساسی «من کیستم؟» و «چه می‌خواهم؟»، پاسخ دهد. در این تحقیق، تئوری‌های مکتب روانشناسی گشتالت، مکتب روانشناسی رشد و مکتب جامعه‌شناسی کنش متقابل‌گرا بررسی می‌شوند و در نهایت، با تحلیل نظریه‌های اریکسون و استرایکر و تلفیق آنها، مدل تحلیلی تحقیق ارائه می‌گردد. در این مدل، دو بعد شناختی و ارزشی در هویت‌شناسایی می‌شود، به گونه‌ای که پاسخ به سؤال «کیستم؟»، به عنوان بعد شناختی و پاسخ به سؤال «چه می‌خواهم؟» به عنوان بعد ارزشی فرایند هویت‌یابی مطرح گردد. داده‌ها به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک مصاحبه و پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر «لار» است و حجم نمونه ۲۶۰ نفر محاسبه گردید.

کلیدواژه‌ها: هویت، بحران هویت، طرح واره‌ها، دانش‌آموز

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس

** کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشگاه تهران



تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش «من کیستم؟»، موضوع تازه‌ای نیست. این سؤال از دیرباز ذهن انسان را به خود مشغول داشته و نه تنها هرگز رنگ کهنگی به خود نگرفته؛ بلکه مهمترین دغدغه انسان معاصر نیز به حساب می‌آید. از این‌رو، تحقیق و بررسی چالش‌های پاسخ‌گویی به این سؤال، همواره مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است.

انسان در سراسر عمر، به دنبال کیستی و هستی‌شناسی خود است و همواره سعی دارد به بازسازی معنایی جهان پیرامونش بپردازد. در اجتماع منسجم دوران سنت، پیش‌انگاشت‌های جهان روزانه هر کس (زیست‌جهان)، بدیهی تصور می‌شد. این زیست‌جهان که با مؤلفه‌های خانواده، قومیت و دین شکل می‌گرفت، به عنوان منبع هویت، اغلب معطوف به جمع و گروه بود. در آن دوران، تنوع چندانی در نوع هویت افراد وجود نداشت و نیازی به بررسی هویت فردی نبود؛ زیرا نوعی هویت گروهی، در بر گیرنده قالب‌های بسیاری از هویت‌های فردی بود. اما جامعه مدرن، فرد را با چشم‌اندازهای پیوسته در تغییر و انبوهی از تجارب و معانی اجتماعی روبرو کرده است. در این فضای متغیر، منابع هویتی پیشین چندان کارا نبوده و فرد ناچار به تصمیم‌گیری‌های مداوم و ارائه برنامه‌های متنوع است. از این‌رو، هرکس برای بازسازی معنایی وقایع پیرامون خود، الگوی خاصی از هویت را می‌جوید. در این دوران، هویت پرتنش و بحرانی است. هویت دیگر الگوی ثابت رفتار و نگرش نیست؛ بلکه همواره مورد بازاندیشی و بازسازی قرار می‌گیرد و بارها بحران را تجربه می‌کند. با این حال، همه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان از اهمیت تجربه اولین بحران هویت صحبت می‌کنند؛ بحرانی که در نوجوانی رخ می‌دهد و اولین منبع هویت یعنی خانواده در آن مورد شک قرار می‌گیرد. نوجوانی، مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده است. رشد جسمانی، فیزیولوژیک، تجربه بلوغ و تجربه‌های اجتماعی خاص این دوران، موجب می‌شود که فرد طی تعامل با محیط پیرامون، با سؤالاتی از قبیل: «من کیستم؟»، «اطرافیان من کیستند؟»، «چرا اطرافیان من اینگونه‌اند؟»، «چرا دیگران این گونه نیستند؟» مواجه گردد. تلاش برای پاسخ‌دادن به این سؤالات منجر به شناخت خود و درک تمایز خود از محیط پیرامون می‌شود. هرچه توانایی فرد برای پاسخ به این قبیل سؤالات بیشتر باشد، توانایی او برای ارائه مجموعه صفات منسجم از خود بیشتر است که این امر، نشانگر هویت منسجم در فرد

می‌باشد. همچنین عدم توانایی فرد برای پاسخ‌گویی به این قبیل سؤالات، نشانگر «بحران هویت»^۱ در اوست.

در این تحقیق، پس از بررسی دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان در خصوص تعریف نظری بحران هویت، سعی می‌کنیم این دیدگاه‌ها را تلفیق نموده و بر مبنای آن، مدل تحلیلی پرسش‌نامه را ارائه دهیم. سؤالات تحقیق در دو بعد توصیفی و علی عبارتند از: ۱- میزان «بحران هویت» در بین دانش‌آموزان چقدر است؟ و ۲- عوامل مؤثر بر «بحران هویت» دانش‌آموزان چیست؟ جامعه نمونه این تحقیق، دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر لار (استان فارس) می‌باشد.

مبانی نظری

در ۵۰ سال گذشته، متوسط سن شروع بلوغ کاهش پیدا کرده است. از سوی دیگر، تخصصی شدن مشاغل، طولانی‌تر شدن تحصیلات و تأخیر در تشکیل خانواده، پایان نوجوانی را طولانی‌تر کرده است. این فرایند در جوامع صنعتی، بیش از شهرهای کوچک و روستاها و در طبقات مرفه، بیش از طبقات نامرفه بوده است (حیدری بیگوند، ۱۳۷۹: ۱۰۴). این تغییرات، نشان می‌دهد که سن، معیار مناسبی برای تعیین دوره آغاز و پایان نوجوانی نیست و بهتر است نوجوانی را بر حسب ویژگی‌های آن تعریف کنیم. این ویژگی‌ها عبارتند از ۱- شکل‌گیری رشد عاطفی با آغاز بلوغ که منجر به توجه بیشتر به جنس مخالف می‌گردد، ۲- رشد اجتماعی که با رهایی از وابستگی و کنترل خانواده و تجربه‌های عضویت در گروه همسالان همراه است، ۳- رشد شناختی که با جستجوی فلسفه زندگی، تعهدات مذهبی و نظام ارزشی همراه است، ۴- گسترش تعاملات با محیط که با برنامه‌ریزی برای انتخاب شغل، اوقات فراغت و تحصیلات همراه است. فرایند هویت‌یابی، انسجام‌بخش تنش‌های دوران نوجوانی است و خلل در انسجام‌بخشی تنش‌های عاطفی، شناختی و اجتماعی، منجر به بحران می‌گردد. اصل کلمه هویت از «هو» به معنی «او» گرفته شده و معنای آن اتحاد با ذات است. بنابراین، هویت هر پدیده، نشانگر هیأت و ماهیت وجودی آن و بحران هویت، خلل در این هیأت و کلیت وجودی است.

در مباحث علمی، واژه بحران هویت، اولین بار توسط «اریکسون»^۲ به کار گرفته شد. وی در خلال جنگ جهانی دوم، گروهی از سربازان آمریکایی را مشاهده نمود که

1- Identity crisis

2- Erikson

نمی‌توانستند فعالیت‌ها و نگرش‌های خود در مقام سرباز را با فعالیت‌ها و نگرش‌های قبلی‌شان در مقام شهروند، سازش دهند. اریکسون برای شرح این حالت، اصطلاح «آشفتنگی هویت» یا بحران هویت را به کار گرفت (علوی‌یزدی، ۱۳۸۲: ۵۷۲).

«بحران» به مفهومی که در اینجا به کار می‌رود، عبارت است از وضعیتی نسبتاً پرتنش و متزلزل که معمولاً معطوف به نوعی نقطه عطف و دگرگونی است و بحران هویت، تزلزل در مفهوم ارائه شده از هویت است (حیدری‌بیگوند، ۱۳۷۹: ۱۰۵). بحران هویت، یعنی وجود تزلزل و ابهام در تعریفی که فرد از خود و وجود خود می‌کند و مانع از آن می‌شود که فرد به شخصیت خود یکپارچگی و انسجام ببخشد و به سؤالاتی از قبیل «من کیستم؟»، «من چیستم؟» و «چه می‌خواهم؟»، پاسخ دهد (همان).

به نظر گیدنز و برخی دیگر از جامعه‌شناسان، «هویت فردی» و «هویت جمعی»، از نظر کیفی و نوعی متفاوت‌اند. هویت فردی ناظر بر افراد و هویت جمعی، معطوف به جامعه است. «بارزترین تفاوت آنها این است که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی، بر شباهت تأکید دارد» (حاجی‌حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰۹). برخی معتقدند که هویت جمعی نسبت به هویت فردی واقعی‌تر بوده و دارای استحکام و دوام بیشتری است و هویت جمعی، هویت فردی را تعین می‌بخشد.

اما در این تحقیق، ما بر این اعتقادیم که تفاوت هویت فردی و جمعی، بیشتر تفاوت نظری است و هیچ کدام از این دو مقوله را نمی‌توان واقعی‌تر دانست یا حتی مقدم بر دیگری. در واقع، تفاوت در دیدگاه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نسبت به هویت، منجر به تمایز هویت فردی و جمعی گردیده؛ به گونه‌ای که هویت فردی (با مفاهیمی چون عزت نفس و ادراک خود) بیشتر از سوی روان‌شناسان، و هویت جمعی (با مفاهیمی چون نقش‌پذیری و تعلق گروهی) از سوی جامعه‌شناسان ارائه شده است. در عین حال، پیچیدگی زندگی در جامعه معاصر، موجب شده که افراد در طول عمر خود، محیط‌های فرهنگی متنوعی را تجربه کنند، نقش‌های متعددی بپذیرند و از منابع هویتی متعددی تغذیه نمایند. این تعدد منابع هویتی، نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان (به شیوه سنتی)، فرد را با یک هویت، در جامعه شناسایی کرد؛ بلکه باید از هویت‌های متعدد یا لایه‌های هویتی صحبت نمود. «چندلایه بودن هویت در نظریه‌های معاصر، تفکیک دوگانه فردی و جمعی هویت را کنار گذاشته و بر ادراک خود و توصیف منسجم از خود در محیط‌های فرهنگی مختلف تأکید می‌ورزد» (فلنگن، ۱۹۹۶: ۷۰). در ادامه، ضمن بررسی

دیدگاه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، چندلایه بودن هویت را دوباره مورد تأکید قرار داده و سعی می‌کنیم این دیدگاه‌های نظری مختلف را، در مدل تحلیل تحقیق، تلفیق نماییم.

رویکرد روان‌شناختی

روان‌شناسان، نظریه‌های متعددی در خصوص هویت و رشد فرایند شناختی ارائه داده‌اند؛ اما در میان آنها، نظریه‌پردازان مکتب گشتالت و مکتب روان‌شناسی رشد، دیدگاه روشن تری در این خصوص دارند.

«مکتب گشتالت^۱ براساس نظر «ورتهایمر»^۲، بر این فرض متکی است که یک وحدت اساسی در طبیعت وجود دارد و هر پدیده یک کلیت است که صرفاً از مجموعه اجزا تشکیل نمی‌شود؛ این کلیت چیزی است که «گشتالت» نامیده می‌شود» (محفوظی، ۱۳۷۸: ۲۴۲). این نظریه، در راستای درک کنش متقابل انسان و محیط، به بررسی «طرح‌های ادراکی»^۳ می‌پردازد و معتقد است که شخصیت انسان بر اثر تبادل با محیط، به سازمان یافتگی روانی و تمامیتی در تقابل با پس‌زمینه می‌رسد. این مکتب، طرح‌های ادراکی را به مثابه «میدان‌های روان‌شناختی»، که «ادراک خود» در مرکز آن قرار دارد، مورد تحلیل قرار می‌دهد و معتقد است که فرد، در میدان‌های گشتالت به یکپارچه‌سازی ادراکی از خود و تمایز خود از محیط پیرامون می‌پردازد. این فرایند منجر به «کسب هویت» می‌گردد. محور «مکتب روان‌شناسی رشد»^۴ در نظریه «اریکسون»^۵ بر این اصل است که رشد و تکوین هر فرد، یک رشته مراحل مشخص جهان‌شمول دارد که تمام افراد بشر آن را تجربه می‌کنند. «اصل حاکم بر این جریان، «اپی ژنیتیک»^۶ نام دارد؛ یعنی شخصیت انسان بر اساس مراحل از پیش تعیین شده و استعدادهایش رشد می‌کند و شرایط فرهنگی به گونه‌ای است که بتواند استعدادها را شکوفا و محافظت کند و شرایط ممکن را برای به وجود آمدن مراحل رشد سرعت بخشد (سیف، ۱۳۷۳: ۱۲۶).

اریکسون تکوین و رشد انسان را در هشت مرحله بیان می‌کند که عبارتند از: مرحله اول، اعتماد در مقابل عدم اعتماد؛ مرحله دوم، تکیه‌کردن در مقابل شرم و تردید؛^۷ مرحله سوم، ابتکار در مقابل احساس گناه؛^۸ مرحله چهارم، کارایی در مقابل حقارت؛^۹ مرحله پنجم، احساس هویت در مقابل آشفتگی نقش؛^{۱۰} مرحله ششم، صمیمیت در

1- Gestalt
2- Hiemer. Wetr. (1880-1943)
3- Perceptive Schema
4- Development
5- Epigenetic

6- Basic trust - mistrust
7- Autonomy - shame & doubt
8- Autonomy - shame a doubt
9- Accomplishment - inferiority
10- Ego Identity - Role confusion



مقابل تنهایی؛ مرحله هفتم، باروری در مقابل بی‌حاصلی؛^۱ مرحله هشتم، کمال در مقابل سرخوردگی.

بنا به نظریه اریکسون، بحران هویت در مرحله پنجم رشد رخ می‌دهد که مقارن با دوران نوجوانی است. اما مفهوم بحران در نظریه او، هم دارای اثرات منفی و هم اثرات مثبت است؛ چرا که او «بحران» را جزء لاینفک هویت‌یابی می‌داند. وی بحران هویت را به عنوان رویداد بهنجار زندگی، اینگونه تعریف می‌کند: «یک مرحله تغییر، یک لحظه قطعی در هنگامی که رشد بایستی در طریقی پیش برود که منجر به یکپارچه‌کردن منابع رشدی و بهبودی گردد» (شیخ روحانی، ۱۳۷۸: ۵).

در بحث اریکسون از هویت، دو فرایند «جستجو»^۲ و «تعهد»^۳، سازنده هویت فرد هستند. در جریان «جستجو»، فرد بر تمایز خود از محیط تأکید دارد و در جریان «تعهد»، فرد بر یکپارچه‌سازی و پابندی خود به محیط تأکید می‌ورزد. «بحران» وقتی به وجود می‌آید که فرد پس از مرحله جستجو و تمایزبخشی نتواند به یکپارچه‌سازی خود و ایجاد تعهدات دست یابد» (شیخ روحانی، ۱۳۷۸: ۵۲).

رویکرد جامعه‌شناختی

از منظر جامعه‌شناسی، با تنزل فرهنگ در قالب نقش‌های اجتماعی و درونی‌شدن آنها، شخصیت انسان شکل می‌گیرد. به عبارتی، فرایند اجتماعی‌شدن، بر شکل‌گیری هویت تأثیر بسیاری دارد (آخوندی، ۱۳۷۸: ۴۰). جامعه‌شناسان فرایند اجتماعی‌شدن را نتیجه تعاملات اجتماعی می‌دانند. این تعاملات اجتماعی یکی از عوامل سازنده هویت فرد است؛ چرا که انسان در جریان تعاملات اجتماعی می‌تواند به درک از «خود»^۴ نائل آید (زکی، ۱۳۸۲: ۲۸۱) و هویت، تجربه آگاهانه از «خود» است.

در مباحث جامعه‌شناختی، «خود» و «هویت» ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و اغلب نظریه‌پردازان «کنش متقابل نمادی» مانند «کولی» و «مید» و نظریه‌پردازان معاصر این مکتب مانند «استریکر»^۵ و «بورک»^۶، نظریاتشان در باب هویت را از مفهوم «خود» آغاز کرده‌اند.

«مفهوم خود»^۷ اساساً توانایی نگریستن به خود مانند یک شی است» (ریترز، ۱۳۷۴: ۳۲۵). و مجموعه معانی است که وقتی به خودمان می‌نگریم، به خودمان نسبت

1- Intimacy isolation
2- Generativity stagnation
3- Search
4- Commitment

4- Commitment
5- Self
6- Stryker.S

7- Burke.P
8- Self - concept

می‌دهیم. جرج هربرت مید معتقد است، کودک با بازی کردن نقش دیگران و همانندی با اشخاصی که این نقش‌ها را دارند و به وسیله درونی کردن مجموعه نظام‌یافته و شالوده‌بندی شده نقش‌ها رشد می‌کند (زکی، ۱۳۸۲: ۲۸۵). سازوکار گسترش خود، بازتابی بودن آن است؛ یعنی توانایی قراردادن خود به جای دیگران و عمل کردن مانند آنها و همانطور که مید اظهار داشت، از طریق بازی کردن و گرفتن نقش دیگران است که می‌توانیم این توانایی را گسترش دهیم» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۲۶).

پیروان مکتب کنش متقابل، همواره در پی تبیین مفهوم خود بوده‌اند. به ویژه نظریه‌پردازانی که به رویکرد ساختاری این مکتب نزدیکتر بوده‌اند، مفهوم خود را با مفهوم هویت پیوند زده و سعی کرده‌اند تغییرات هویت فردی را در پرتو ساختار اجتماعی و روابط نقشی افراد مورد بحث قرار دهند (بورک، ۲۰۰۲: ۹). آنها استدلال می‌کنند که «خود»، بر مجموعه‌ای از هویت‌ها مبتنی است و هر هویت، بر پایه نقش‌های پذیرفته‌شده توسط فرد بنا شده. هویت با پاسخ فرد به سؤال، «من کیستم؟»، تعریف می‌شود و بسیاری پاسخ‌ها مانند «من پدر هستم»، با ارجاع به «هویت‌های نقش» به دست می‌آید.

استرایکر، خود را مجموعه‌ای متشکل از هویت‌های مجزا می‌داند که بر نقش‌هایی استوارند که فرد در موقعیت‌های مختلف ایفا می‌کند (دوران، ۱۳۸۲: ۵۱). هویت‌ها در واقع، حلقه ارتباطی بین فرد و ساختار اجتماعی هستند؛ چرا که آنها گزینش‌هایی هستند که فرد در راستای جایگاه خود، در ساختارهای اجتماعی و نقش‌هایی که در آن موقعیت‌ها بازی می‌کنند اتخاذ می‌نماید (استرایکر، ۱۹۶۸: ۸۹). استرایکر اهمیت ساختارهای اجتماعی گسترده را در تعیین هویت فرد می‌داند و معتقد است، انسان‌ها از طریق عمل کردن در ساختارهای اجتماعی، نه فقط همدیگر را در سمت‌های اجتماعی نام‌گذاری می‌کنند، بلکه نام خودشان را نیز تعیین می‌کنند؛ یعنی بر خود نشانه‌های مقامی می‌گذارند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۳۰۹). این خود نشانه‌گذاری‌ها، بخشی از خود شخص و انتظارات ملکه ذهن شده او در رابطه با رفتارش می‌گردند. با این حال، انسان‌ها صرفاً عهده‌دار نقش‌ها و سمت‌های اجتماعی نمی‌شوند؛ بلکه با جهت‌گیری خلاقانه و فعالانه، در برابر نقش‌ها در پی صورت‌بندی هویت خود بر می‌آیند.

استرایکر به معرفی ایده «تعهد»^۱ می‌پردازد و از آن برای تجسم و تشخیص بخشیدن به حلقه ارتباطی میان ساختار اجتماعی و هویت فرد کمک می‌گیرد. هرچه تعهد فرد به یک هویت بیشتر باشد، آن هویت در مرتبه بالاتری از سلسله‌مراتب^۲ هویتی قرار خواهد



گرفت (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۷۳). به عبارتی، هویت‌ها به وسیله تعهدات، ثابت و پایدار می‌شوند. «به نظر او بعضی هویت‌ها ابعاد گسترده‌تری از شخصیت فرد را در برمی‌گیرند و احتمال بروز آن هویت در موقعیت‌های مختلف بیشتر است. او این هویت‌ها را هویت‌های بارز^۱ (برجسته) می‌نامد» (دسروچر، ۲۰۰۲: ۲).

مفاهیم مشترک متعددی میان رویکرد روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در خصوص فرایند هویت یابی وجود دارد و این امر، امکان قراردادن آنها را در یک مدل تحلیلی فراهم می‌کند. هر دو رویکرد، بر «طرح‌افکنی» ذهنی کنشگر و جهت‌گیری فعالانه او برای خلق معانی شناختی از خود تأکید دارند. همچنین مکانیزم طرح‌افکنی را شامل «جستجو» و «تعهد» می‌دانند که در واقع، تقابل دیالکتیک میان متمایزنامایی خود از دیگران و مشابه‌نمایی خود با دیگران است. در این دیالکتیکی خود و دیگران (که استرایکر آن را به دیالکتیک معنا و ساختار تعبیر می‌کند)، هویت انسان شکل می‌گیرد. تغییر در شرایط ساختاری، معانی متعددی را پدید می‌آورد و ممکن است هویت فرد دیگر گونه شود. وضعیت پرتنش این دگرگونی‌ها، موجب بحران هویت می‌گردد.

پیشینه تحقیق

اولین تحقیق منسجم در خصوص بحران هویت، توسط اریکسون به شکل پرسش‌نامه‌ای دوازده سؤالی انجام گرفت. پس از او، شاگردش «مارسیا»^۲ مفهوم بحران هویت را به صورت پرسشنامه شصت و چهار سؤالی به نام «پایگاه هویت خویشتن»^۳ (Ego-EIS) در دو بعد «تعهد»^۴ و «جستجو»^۵ مورد سنجش قرار داد. به نظر او، نوجوان برای هویت‌یابی به جستجو و اکتشاف در حیطه‌های هویت می‌پردازد. سپس با متعهدشدن نسبت به برخی نظرات، ایده‌ها و برنامه‌ها، به نوعی ثبات و یکپارچگی هویت دست می‌یابد. حیطه‌های جستجوی هویت در پرسش‌نامه استاندارد «پایگاه هویت»، شامل مذهب، سیاست و شغل می‌باشد که در مراحل بعد، شامل رفتار جنسی، روابط دوستانه و نقش جنسی نیز می‌شود (سهرابی، ۱۳۸۱: ۴۵۶). پس از آن، بنیون^۶ و آدامز^۷ (۱۹۸۶)، آزمون مارسیا را مورد تجدید نظر قرار داده و آن را تکمیل نمودند. همچنین بالیستری و روزنگل نیز پرسش‌نامه «هویت خویشتن»^۸ (EIQ) را برای سنجش هویت فردی بر اساس نظریات اریکسون و تجربیات مارسیا ساختند.

1- Saliency identity

5- Search

7- Adam.G.R

2- Marsia

6- Benion.L.D

8- Ego Identity Process Questionnaire

3- Extended Objective Measure of Ego Identity Status

4- Commitment



اغلب این تحقیقات توسط روان‌شناسان و با تأکید بر «هویت فردی» صورت گرفته و در مقابل، اغلب جامعه‌شناسان مفهوم «هویت جمعی» را مورد تحقیق قرار داده‌اند. به عنوان مثال، تاجفل^۱ و ترنر^۲، تجربه گروهی را سازنده هویت می‌دانند و در تحقیقات خود، نقش‌های درون گروه، مقایسه گروه خود با گروه دیگران و احساس تعلق گروهی را به عنوان ترکیبات هویت، مورد سنجش قرار داده‌اند (تاجفل، ۱۹۸۶). در عین حال، جامعه‌شناسانی که در مکتب کنش متقابل پرورش یافته‌اند، برای سنجش هویت، پرسش‌نامه‌های «توصیف خود» را به کار می‌برند. به عنوان مثال، پرسش‌نامه ۲۹ سؤالی «من کیستم؟»^۳ که به صورت جملات ناتمام است و از فرد خواسته می‌شود که ادامه آنها را بنویسد و یا پرسش‌نامه ۳۵ سؤالی «ابعاد خود» (AIQ)^۴ که توسط چک^۵ طراحی شده است (چک، ۱۹۸۱: ۴۰۱).

تحقیقات انجام‌شده در ایران نیز بیشتر جنبه روان‌شناسانه دارد و کمتر با رویکرد جامعه‌شناختی به مسأله بحران هویت فردی پرداخته شده است. با این حال، در این تحقیق منابع متعدد موجود بررسی و از یافته‌های آنها بهره گرفته شد. در اینجا به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم.

یک. «ساخت و اعتباریابی مقیاس عوامل جامعه‌پذیری و بررسی تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان». این تحقیق توسط محمد علی زکی در سال ۱۳۸۱ انجام شده و به بررسی نقش عوامل جامعه‌پذیری سه‌گانه خانوادگی (اولیا و والدین)، آموزشی (معلم) و گروهی (دوستان و همسالان)، در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان پرداخته شده است. تحقیق از نوع پیمایشی با ۲۰۰ نمونه دانش‌آموزان شهرهای مبارکه و شهرضا می‌باشد. ابزار تحقیق شامل مقیاس عوامل جامعه‌پذیری (FFC)^۶ و مقیاس هویت شخصی می‌باشد. برخی نتایج به دست آمده از این تحقیق عبارتند از:

۱- هویت دختران (دبیرستانی) بیشتر از هویت پسران شکل یافته و تفاوتی میان هویت‌یابی دانش‌آموزان در حوزه اجتماعی شهری (شهرضا - مبارکه) وجود ندارد.

۲- عوامل جامعه‌پذیری سه‌گانه خانواده، مدرسه و گروه همسالان، روابط معنادار مؤثری در هویت‌یابی نوجوانان داشته‌اند.

۳- بیشترین متغیرهای مؤثر بر هویت‌یابی، عوامل خانوادگی و آموزشی است.

1- Tojfel. Henri

2- Turner. John

3- "Who am I?" Questionnaire

4- Aspects of Identity Questionnaire

5- Cheek. Janathan.M

6- Socialization Factors Scale



دو. «بررسی حالت‌های هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی در دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۰». این تحقیق، توسط مرتضی امیدیان و دکتر حسین شکرکن انجام گرفته و در آن، ۱۷۳ دانشجوی پسر دانشگاه اهواز، توسط آزمون بنیون و آدامز مورد پرسش قرار گرفته‌اند. آزمون آدامز، هویت را در دو بعد اعتقادی (مذهب، سیاست، شغل و فلسفه زندگی) و روابط بین فردی (اوقات فراغت، دوستی، معاشرت و نقش جنسی)، مورد بررسی قرار می‌دهد. وی چهار حالت مختلف هویت را از هم متمایز می‌کند: هویت سردرگم^۱، در افرادی که هنوز بحران را تجربه نکرده‌اند و تعهد به شغل یا مجموعه‌ای از عقاید در آنها ایجاد نشده است. هویت زودهنگام^۲، در افرادی که هنوز بحران را تجربه نکرده‌اند؛ اما با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و عقاید متعهد شده‌اند. هویت مهلت‌خواه^۳، در افرادی که بحران را تجربه کرده‌اند؛ اما هنوز متعهد به ارزش‌ها و عقاید خاصی نشده‌اند. هویت کسب‌شده^۴، در افرادی که بحران را تجربه کرده و متعهد به ارزش‌ها و عقاید خاصی شده‌اند.

برخی نتایج به دست آمده در این تحقیق، حاکی از آن است که در حوزه مذهب، فراوانی هویت سردرگم و کسب‌شده، از حالت‌های دیگر هویت بیشتر است. در حوزه سیاست، فراوانی هویت‌های زودهنگام و مهلت‌خواه بیشتر از سایر هویت‌هاست. در حوزه شغل، هویت کسب‌شده و مهلت‌خواه از سایر حالت‌های هویت بیشتر بوده و در حوزه نقش جنسی، هویت سردرگم، بیشتر از سایر هویت‌هاست.

چارچوب نظری تحقیق

فرایند هویت‌یابی

هویت را فرایند پاسخ‌گویی به سؤالاتی از قبیل «چیستم؟»، «کیستم؟» و «چه می‌خواهم؟»، تعریف نمودیم. «این فرایند همچون تمام فرایندهای ذهنی، دو جریان شناختی^۵ و ارزشی^۶ دارد» (محفوظی، ۱۳۷۸: ۲۳۷). به گونه‌ای که پاسخ به سؤال «کیستم؟»، بعد شناختی هویت و پاسخ به سؤال «چه می‌خواهم؟»، بعد ارزشی هویت می‌باشد. پاسخ به «کیستم؟»، در سطوح مختلف، بیانگر چگونگی توصیف فرد از خودش در ابعاد فیزیکی و بدنی، احساسی و بین فردی (تعاملی) است.

۱- شناختی که فرد از فیزیک بدنی خود (جذابیت، توانایی و مانند آن) دارد.

1- Diffusion identity

2- Foreclosure identity

3- Moratorium identity

4- Achieved identity

5- Cognition

6- Value



۲- شناختی که فرد از ویژگی‌های روانی خود (غرور، استقلال‌طلبی، زودرنجی و مانند آن) دارد.

۳- شناختی که فرد از نقش‌ها و ویژگی‌های اجتماعی خود (فعال یا منفعل، موفق در دوست‌یابی مانند آن) دارد.

پاسخ به «چه می‌خواهم؟»، بعد ارزشی هویت است که بیانگر خواستن و نخواستن فرد می‌باشد. از این‌رو، فرد به طور ارادی به انتخاب افکار، ارزش‌ها و برنامه‌هایش می‌پردازد. مانند:

۱- تعیین نظام باورها و ارزش‌های شخصی.

۲- تعیین برنامه‌های شغلی، تحصیلی و تفریحی.

مجموعه ویژگی‌هایی که فرد برای توصیف خویش در دو بعد شناختی و ارزشی به کار می‌برد، مفهوم خود^۱ یا خودپنداره او را می‌سازد؛ هرچه فرد ارزیابی مثبت‌تری از مجموعه صفاتی که به خود نسبت می‌دهد، داشته باشد، خودپنداره در او، با ثبات‌تر است و این امر به او توانایی تعریف نسبتاً یکپارچه از خود می‌دهد (توانایی پاسخ به کیستم؟ و چیستم؟). به عبارتی، ارزیابی مثبت از صفات خود، نشانگر کسب و انسجام هویت فرد و ارزیابی منفی از صفات خود، نشانگر تزلزل و بحران هویت است.

در عین حال، نکته‌ای که باید روشن گردد این است که «چطور مجموعه اطلاعات و صفات مربوطه به خود، در حافظه سازماندهی می‌شوند، به زبان ساده‌تر، چطور فرد مجموعه صفاتی را به خود نسبت می‌دهد؟ پاسخ روانشناسان مکتب گشتالت به این سؤال روشن است، به نظر آنها صفات و دانش‌های مربوط به خود در «طرح‌واره‌ها»^۲ ذخیره می‌شوند» (فرانزوی، ۱۳۸۱: ۵۹). به تعبیر استرایکر، می‌توان گفت این مجموعه صفات در خود نشانه‌گذاری‌ها ذخیره می‌شوند (ریترز، ۱۳۸۳: ۳۱۰).

طرح‌واره، نوعی سازمان‌بندی ذهنی اطلاعات درباره چیزهاست و همچون سازه‌های مبتنی بر وقوع مکرر خصوصیاتی مشابه در تجربه، طی رویدادهای مکرر است (کارور، ۱۳۷۵: ۵۷۶). دسته‌بندی صفات و ویژگی‌های «خود» در قالب طرح‌واره‌هایی صورت می‌گیرد که منجر به ادراک خود و انسجام «مفهوم خود» می‌شود و در نهایت، انسجام‌بخشی به مفهوم خود، منجر به کسب و ثبات هویت شخص می‌گردد. به این ترتیب، بررسی فرایند شکل‌گیری هویت و پیدایش بحران هویت، منجر به بررسی طرح‌واره‌های خود در دو بعد ارزشی و شناختی می‌گردد.



بعد شناختی هویت یابی

«شناخت»^۱ به فرایندهای درون‌ذهنی یا شیوه پردازش اطلاعات اطلاق می‌شود. شناخت روشی است که به وسیله آن، اطلاعات را مد نظر قرارداد، تشخیص می‌دهیم، به رمز در می‌آوریم، در حافظه ذخیره ساخته و هنگام نیاز، آنها را از حافظه بازیابی کرده و مورد استفاده قرار می‌دهیم (فلنگن، ۱۹۹۶؛ فرانزوی، ۱۳۸۱: ۶۲).

اطلاعات همخوان و مشابه از خود، که ناشی از ادراک مشابه خود در موقعیت‌های تکراری است، به صورت مجموعه صفات و اطلاعات کدگذاری شده در حافظه ذخیره می‌شود. به بیان دیگر، خود را می‌توان ساختاری از حافظه دانست که توسعه و گسترش یافته و وقتی در برابر محرکی فعال می‌شود، میان آن محرک و شناخت‌های قبلی از خود در برابر آن محرک، پیوند معنایی برقرار می‌کند (محسنی، ۱۳۷۵: ۶۹).

تداعی خود از حافظه، بخشی از شناخت خود است که پاسخی را برای سؤال «من کیستم؟» فراهم می‌کند. مثلاً شخصی عنوان می‌کند: «من زیبا هستم»، «من مغرور هستم» و مانند آن که بخشی از هویت او را بیان می‌کند.

خود طرح‌واره‌ها، بازنمایی‌هایی از خود می‌باشند که به لحاظ قدرت در جذب و ادغام اطلاعات، همیشه برای مشخص ساختن خود به کار گرفته می‌شوند. طرح‌واره‌ها در سه بعد طرح‌واره فیزیکی و بدنی، طرح‌واره روانی و طرح‌واره اجتماعی، در بر گیرنده مجموعه صفات و ویژگی‌های خود می‌باشند. این سه بعد در انطباق با ابعاد فضای مفهومی آسگود قابل بررسی هستند.

آسگود^۲ نشان داد در بررسی فضای مفهومی هر چیز، سه عامل قابل تشخیص است: بعد قوت^۳ (پتانسیل بالقوه)، بعد ارزشی^۴ (ارزیابی کلی) و بعد فعالیت^۵ (بهران، ۱۳۸۱: ۱۲۶). از این رو، می‌توان گفت در بررسی فضای مفهومی مجموعه صفات خود، سه بعد قابل شناسایی است که این ابعاد با خود طرح‌واره‌های بدنی، روانی و اجتماعی، قابل انطباق هستند. به این ترتیب، برای سنجش طرح‌واره‌های بعد شناختی، می‌توان به روش آزمون افتراق معنایی آسگود، مجموعه صفات دو قطبی که بیانگر فضای مفهومی طرح‌واره‌هاست را با مقیاس ۱۱ قسمتی سنجید. هر قطب این مقیاس، بیانگر ارزیابی مثبت یا منفی فرد از صفات خود می‌باشد و به عبارتی نشان‌دهنده ثبات یا بحران در هویت فرد است. جدول شماره ۱، ابعاد فضای مفهومی بعد شناختی هویت را در انطباق با ابعاد فضای مفهومی آسگود، نشان می‌دهد.

1- Cognition
2- Asgod

3- Potency
4- Value

5- Activity



جدول شماره ۱

مفهوم	ابهام (۱) تعریف	ابهام (۲) خود طرح‌واره‌ها	ابهام (۳) فضای مفهومی	شرح	عملیاتی‌سازی گویه‌ها
بحران هویت	بعد شناختی (کیستم؟)	طرح‌واره فیزیکی	بعد استعداد بالقوه	شناخت فیزیولوژیک و بدن خود	زیبا - زشت
					قوی - ضعیف
					خوش‌لباس - بدلباس
					تمیز - کثیف
		طرح‌واره روانی	بعد ارزشی کلی	شناخت ویژگی‌های روانی خود	باجرات - ترسو
					بااراده - بی‌اراده
					موفق - ناموفق
				بادقت - بی‌دقت	
		طرح‌واره اجتماعی	بعد فعالیت	شناخت فعالیت‌های اجتماعی و ویژگی‌های فردی	هاقل - نادان
					دردوست‌بایی موفق - ناموفق
					از خانواده ثروتمند - فقیر
					قابل اعتماد - غیرقابل اعتماد
					درکار گروهی توانا - ناتوان
					در اجتماع فعال - منفعل

بعد ارزشی هویت

فرد در پی پاسخ به سؤال «چه می‌خواهم؟»، ناچار به گزینش ارزش‌هایی است که مطلوبیت رفتار، دیدگاه و «روش بودن» را برای او تعیین می‌کند. به طور خلاصه، در تعریف ارزش می‌توان گفت: «شیوه‌ای از بودن یا عمل که شخص یا جمع، به عنوان آرمان می‌شناسند و افراد یا رفتارهایی که بدان نسبت داده می‌شوند را مطلوب و متشخص می‌سازند (گی‌روشه، ۱۳۷۰: ۹۲).

آلپورت^۱، ارزش‌ها را وجه غالب و مسلط ذهن در تمایل جهت‌دار و شناختی فرد تعریف و آنها را به شش دسته تقسیم می‌کند: ارزش‌های نظری، مذهبی، هنری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی (آلپورت، ۱۹۴۶: ۲۳۰). در سلسله‌مراتب ارزشی آلپورت، می‌توان دو دسته ارزش که یکی جهت‌دهنده ذهن (طرح‌واره پنداری) و دیگری جهت‌دهنده اعمال، رفتار و برنامه‌های فرد (طرح‌واره کرداری) است را از هم تفکیک کرد. بعد ارزشی هویت، با استفاده از طیف لیکرت و با مقیاس ۵ قسمتی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

1- Allport



جدول شماره ۲

مفهوم	بعد (۱)	بعد (۲)	بعد (۳)	شرح	عملیاتی سازی «گویه‌ها»
بحران هویت	بعد ارزشی چمی خواهیم؟	طرح‌واره پنداری	ارزش‌های نظری	اندیشیدن به فلسفه زندگی و کشف حقیقت به روش تجربی و انتقادی	اندیشیدن به معنی زندگی اندیشیدن به هدف زندگی اندیشیدن به برنامه کل زندگی
			ارزش‌های مذهبی	باور و اعتقاد به قدرت‌های فرامادی و خدایی	اندیشیدن به مفاهیم مذهب اندیشیدن به مناسک مذهبی
			ارزش‌های هنری	نگرش‌های زیباشناختی در شکل و هماهنگی	دیدگاه زیباشناختی حلائیق هنری
طرح‌واره کرداری		ارزش‌های عملی و اقتصادی	اعمالی که تأکید روی مطلوبیت و سودمندی امور دارند	عمل‌گرایی سودمندی	
		ارزش‌های اجتماعی	جهت‌گیری به سوی دیگران همچون ارتباط با جنس مخالف و نوع‌دوستی بشری	دیگرخواهی پیوستگی جهان‌گرایی	
		ارزش‌های سیاسی	احمال قدرت فردی که دیرگیرنده جنبه‌های سیاسی است	قدرت سلطه نفوذ	

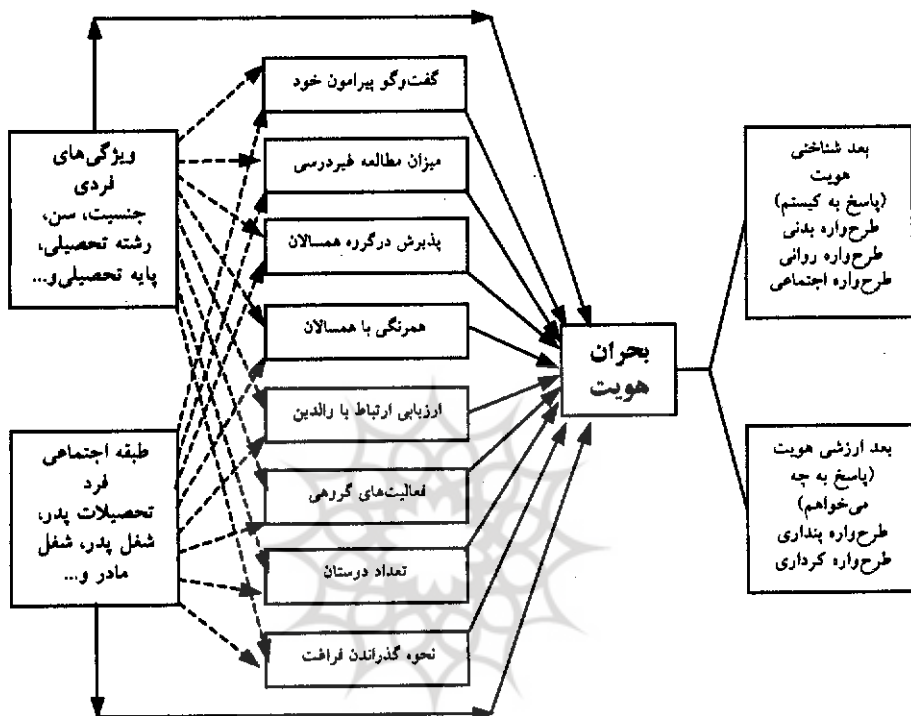
مدل تحقیق

فهرست متغیرهای مستقل، که به عنوان عوامل مؤثر بر بحران هویت در این تحقیق مورد سنجش قرار گرفته‌اند، به دو روش تهیه گردیده است: اول با مراجعه به تحقیقات پیشین و نظریه‌های جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و دوم، با بررسی اکتشافی و مصاحبه (به وسیله پرسش‌نامه باز) با ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر لار.

ارزیابی ارتباط با والدین، گفتگو پیرامون هویت، هم‌رنگی با گروه همسالان، پذیرش در گروه همسالان، مطالعه کتاب‌های غیردرسی، جنسیت، مقطع تحصیلی، سن و مانند آن متغیرهایی هستند که به عنوان علت مؤثر بر میزان بحران هویت مورد تحقیق قرار گرفته‌اند.



مدل تحلیلی تحقیق



روش تحقیق

جامعه آماری تحقیق، شامل ۴۱۸۴ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر شهر لار بوده که با استفاده از مدل نمونه‌گیری ساده بدون جای‌گذاری و بر اساس بزرگترین واریانس متغیرها در پیش‌آزمون (با ۴۰ پرسش‌نامه و در سطح اطمینان ۹۵ درصد)، حداقل حجم نمونه لازم محاسبه گردید.

$$n \geq \frac{Nt^2s^2}{t^2s^2 + Ne^2} = \frac{4184 \times (3/84) / (70/5)}{4184(0/9) + (3/84)(70/5)} = 258/2$$

برای اطمینان از صحت نمونه‌گیری، تعداد افراد جامعه نمونه ۲۶۰ نفر در نظر گرفته شد. برای نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای، از بین تمام دبیرستان‌های شهر لار چند



دبیرستان و از همه کلاس‌های هر دبیرستان، چند کلاس به طور تصادفی انتخاب و با همه دانش‌آموزان کلاس‌های انتخاب‌شده مصاحبه گردید.

برای بررسی قابلیت اعتماد^۱ پرسش‌نامه، از آزمون آلفای کرونباخ^۲ برای محاسبه همبستگی میان معرف‌هایی که به یک متغیر تعلق داشتند، استفاده گردید و در همه آنها، این شاخص بالای ۷/۰ به دست آمد که معرف همبستگی نسبتاً مطلوب میان معرف‌ها بود. برای بررسی اعتبار^۳ پرسش‌نامه (یعنی اینکه پرسش‌ها تا چه حد ابعاد مفاهیم مورد نظر را می‌سنجند و با هدف تحقیق انطباق دارند)، از دو روش استفاده گردید: اول اعتبار صوری^۴ که با مراجعه به اساتید به دست آمد و دوم اعتبار سازه‌ای^۵ که به روش تحلیل عاملی مورد سنجش قرار گرفت. در تحلیل عاملی، همه متغیرهای یک سازه مفهومی، روی یک عامل قرار گرفتند؛ که نشان داد گویه‌های هر سازه مفهومی، معنای مشترکی را در بر داشته و به هدف تحقیق، مربوط بوده‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، به منظور بررسی موضوع، شانزده فرضیه ارائه گردید که هشت مورد آن، به بعد شناختی بحران هویت و مابقی به بعد ارزشی بحران هویت مربوط بودند. همچنین، متغیرهای تحقیق به صورت توصیفی مورد بررسی قرار گرفتند. برخی نتایج به دست آمده در این تحقیق بدین شرح است:

اول: جنسیت و بحران هویت

تحلیل توصیفی: از افراد جامعه نمونه، ۵۵/۵ درصد دانش‌آموزان دختر و ۴۴/۶ درصد، دانش‌آموزان پسر بودند.

تحلیل استنباطی:

- ۱- تفاوت معناداری بین دختران و پسران، در بعد شناختی هویت، وجود ندارد.
- ۲- نمره بعد ارزشی هویت در بین دختران، بیشتر از پسران است. به عبارتی، بحران هویت ارزشی در بین دختران کمتر از پسران است.
- ۳- نمره طرح‌واره فیزیکی و بدنی در بین دختران، بیشتر از پسران است. به عبارتی، دختران ارزیابی مثبت‌تری از ظاهر خود داشته‌اند و بحران هویت، در این بعد، در بین دختران، کمتر از پسران است.

1- Reliability
2- Cronbach'Alpha

3- Validity
4- Face validity

5- Construct validity



۴- نمره طرح‌واره کرداری در بین دختران، بیشتر از پسران است. به عبارتی، دختران در برنامه‌ریزی عملی برای شغل و شیوه برقراری ارتباط با دیگران، انسجام‌یافته‌تر از پسران هستند و بحران هویت، در این بعد، در بین دختران، کمتر از پسران است.

۵- تفاوت معناداری در بعد طرح‌واره روانی، طرح‌واره اجتماعی و طرح‌واره پنداری در بین دختران و پسران یافت نشد.

دوم: مقطع تحصیلی و بحران هویت

تحلیل توصیفی: ۱۸/۵ درصد افراد جامعه نمونه، کلاس اول، ۳۶/۵ درصد، کلاس دوم و ۴۳/۸ درصد دانش‌آموزان، کلاس سوم بودند.

تحلیل استنباطی: رابطه معناداری بین مقطع تحصیلی و میزان بحران هویت در بعد شناختی و ارزشی هویت، یافت نشد. به عبارتی، تفاوت معناداری در بحران هویت، بین دانش‌آموزان مقاطع اول تا سوم دبیرستان دیده نشده است.

سوم: میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی و بحران هویت

تحلیل توصیفی: بررسی توصیفی میزان مطالعه دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که میانگین نمره مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان از حد متوسط کمتر است.

تحلیل استنباطی:

۱- هرچه میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی در دانش‌آموزان بیشتر باشد، میزان بحران هویت در بعد شناختی آنها کمتر است ($r = -/۱۴$, $sig = /۰۰۱$).

۲- هرچه میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی در دانش‌آموزان بیشتر باشد، میزان بحران هویت در بعد ارزشی آنها کمتر است ($r = -/۱۰۶$, $sig = /۰۰۰$).

۳- هرچه میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی در دانش‌آموزان بیشتر باشد، بحران هویت در ابعاد طرح‌واره روانی ($r = -/۱۴$, $sig = /۰۰۱$)، طرح‌واره اجتماعی ($sig = /۰۰۰$)، طرح‌واره پنداری ($r = -/۲۷$, $sig = /۰۰۰$) و طرح‌واره کرداری ($r = -/۲۹$, $sig = /۰۰۰$) آنها کمتر است.

۴- میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی، رابطه معناداری با طرح‌واره فیزیکی بحران هویت دانش‌آموزان ندارد.

چهارم: ارزیابی ارتباط با والدین و بحران هویت

تحلیل توصیفی: بررسی توصیفی ارزیابی دانش‌آموزان از ارتباط با والدینشان در پنج بعد (تفاهم، مشورت، پذیرش در خانه، تبادل عاطفی، تکریم و منزلت)، نشان



می‌دهد که بیشتر افراد، ارزیابی مثبتی از ارتباط با والدینشان دارند و این میزان از حد متوسط بیشتر است.

تحلیل استنباطی:

- ۱- هرچه ارزیابی دانش‌آموزان از ارتباط با والدینشان مثبت‌تر باشد، میزان بحران هویت در بعد شناختی هویت آنها کمتر است ($r=-/۰۵$, $sig=/۰۰۰$).
- ۲- هرچه ارزیابی دانش‌آموزان از ارتباط با والدینشان مثبت‌تر باشد، میزان بحران هویت در بعد ارزشی هویت آنها کمتر است ($r=-/۱۲$, $sig=/۰۰۱$).
- ۳- هرچه ارزیابی دانش‌آموزان از ارتباط با والدینشان مثبت‌تر باشد، میزان بحران هویت در بعد طرح‌واره فیزیکی ($r=-/۱۸$, $sig=/۰۰۴$)، طرح‌واره روانی ($r=-/۱۸$, $sig=/۰۰۳$)، طرح‌واره اجتماعی ($r=-/۲$, $sig=/۰۰۱$)، طرح‌واره پنداری ($r=-/۳۴$, $sig=/۰۰۰$) و طرح‌واره کرداری ($r=-/۲۴$, $sig=/۰۰۰$) کمتر است.

پنجم: هم‌رنگی با گروه همسالان و بحران هویت

تحلیل توصیفی: بررسی توصیفی هم‌رنگی با گروه همسالان، نشان می‌دهد بیشتر دانش‌آموزان هم‌رنگی‌شان با معیارهای گروه همسالان از حد متوسط پایین‌تر است.

تحلیل استنباطی: رابطه معناداری بین هم‌رنگی با گروه همسالان و میزان بحران هویت در ابعاد شناختی و ارزشی پیدا نشد.

ششم: پذیرش در گروه همسالان و بحران هویت

تحلیل توصیفی: بررسی توصیفی پذیرش در گروه همسالان، نشان می‌دهد که بیشتر دانش‌آموزان میزان پذیرش خود در بین دوستان (همسالان) را بیشتر از حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

تحلیل استنباطی:

- ۱- هرچه پذیرش در گروه همسالان بیشتر باشد، میزان بحران هویت در بعد شناختی او کمتر است ($r=-/۰۶$, $sig=/۰۰۰$).
- ۲- هرچه پذیرش در گروه همسالان بیشتر باشد، میزان بحران هویت در بعد ارزشی او کمتر است ($r=-/۰۸$, $sig=/۰۰۰$).

هفتم: گفتگو پیرامون هویت و بحران هویت

تحلیل توصیفی: بررسی توصیفی متغیر گفتگو پیرامون هویت، نشان می‌دهد که



بیشتر دانش‌آموزان پیرامون هویت و مجموعه ویژگی‌ها و صفات خود، کمتر (از حد متوسط) با دیگران صحبت می‌کنند.

تحلیل استنباطی:

۱- هرچه دانش‌آموزان بیشتر پیرامون هویت خود با دیگران گفت‌وگو کنند، بحران هویت در بعد شناختی آنها کمتر است ($t=-/03$; $sig=/004$).

۲- هرچه دانش‌آموزان بیشتر پیرامون هویت خود با دیگران گفت‌وگو کنند، بحران هویت در بعد ارزشی آنها کمتر است ($t=-/02$; $sig=/02$). به عبارتی، هر چه دانش‌آموزان پیرامون سلايق، علايق و برنامه‌های خود بیشتر با دیگران مشورت و گفت‌وگو کنند، هویت آنها برای پاسخ به سؤال «من کیستم؟» و «چه می‌خواهم؟»، انسجام‌یافته‌تر است.

هشتم: بررسی توصیفی بحران هویت و ابعاد آن

۱- نمره شاخص بحران هویت در بعد شناختی، از حد متوسط مورد انتظار، پایین‌تر است؛ یعنی دانش‌آموزان توانایی نسبتاً خوبی برای پاسخ به سؤال «کیستم؟» دارند. به عبارتی؛ نمره ارزیابی دانش‌آموزان از طرح‌واره فیزیکی و بدنی، طرح‌واره روانی و طرح‌واره اجتماعی بیشتر از حد متوسط است و نشان می‌دهد که بحران هویت در این ابعاد، کمتر از حد متوسط می‌باشد.

۲- نمره شاخص بحران هویت در بعد ارزشی، از حد متوسط مورد انتظار پایین‌تر است. به عبارتی، دانش‌آموزان توانایی نسبتاً خوبی برای پاسخ به سؤال «چه می‌خواهم؟» دارند. به طور دقیق‌تر، باید گفت بحران هویت در بعد کرداری کمتر از حد متوسط است؛ اما بحران هویت در بعد پنداری بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

نهم: تحلیل رگرسیون

۱- در تحلیل رگرسیون چندمتغیری، از تمام متغیرهای مستقلی که در بعد شناختی بحران هویت مؤثر بودند، فقط شش متغیر به روش Back ward در مدل باقی ماندند که توانستند چهار درصد ($R^2=0/4$) از واریانس متغیر بعد شناختی هویت را تبیین کنند. این متغیرها عبارتند از جنسیت، تعداد دوستان، پذیرش در گروه همسالان، هم‌رنگی با گروه همسالان، فعالیت گروهی و نحوه گذران اوقات فراغت. جدول آزمون رگرسیون، تأثیر هر یک از متغیرها را بدین صورت نشان می‌دهد:



Sig.	t	غیر استاندارد		معادله رگرسیون
		استاندارد Beta	Std.E B	
۰/۰۲۰	۲/۳۶۳	—	۱۳/۹۵۲	عدد ثابت
۰/۰۶۰	-۱/۹۰۳	-۱/۱۵۵	۳/۱۸۵	جنسیت
۰/۰۲۳	۲/۳۰۸	۰/۱۹۶	۰/۸۹۷	بیشتر ساعت اوقات فراغت خود را چگونه می‌گذرانید؟
۰/۰۳۶	۲/۱۲۶	۰/۱۸۰	۰/۵۴۵	همرنگی با همسالان
۰/۰۸۱	-۱/۷۶۱	-۱/۶۳	۰/۵۴۲	پذیرش در گروه همسالان
۰/۰۵۰	-۱/۹۸۵	-۱/۱۷۴	۱/۴۲۵	آیا در گروه و انجمن‌های مدرسه یا سطح شهر فعالیت دارید؟
۰/۰۰۰	۳/۹۳۰	۰/۳۵۳	۱/۷۳۵	خودتان را از لحاظ تعداد دوست چگونه ارزیابی می‌کنید؟

منفی بودن علامت متغیر جنسیت در معادله رگرسیون، بیانگر این است که بحران هویت شناختی در بین دختران کمتر از پسران است.

مثبت بودن علامت متغیر تعداد دوستان در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد که افزایش تعداد دوستان، موجب افزایش بحران هویت شناختی در فرد می‌گردد.

منفی بودن علامت متغیر فعالیت انجمنی و گروهی در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد که عضویت در گروه‌های متعدد، موجب کاهش بحران هویت شناختی در فرد می‌شود.

منفی بودن علامت متغیر پذیرش در گروه همسالان، در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد که هر چه دانش‌آموز ارزیابی مثبت‌تری از پذیرش خود از سوی دوستان و همسالان داشته باشد، بحران هویت شناختی او کمتر است. به عبارتی انسجام‌یافتگی هویت او بیشتر می‌باشد.

مثبت بودن علامت متغیر هم‌رنگی با گروه همسالان، در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که سعی در همانندسازی خود با گروه دوستان و همسالان دارند، بحران هویت شناختی بیشتری دارند.

۲- در تحلیل رگرسیون چندمتغیری، از تمام متغیرهای مستقلی که در بعد ارزشی بحران هویت مؤثر بودند، پنج متغیر به روش Back ward در مدل باقی ماندند که توانستند پنج درصد ($r^2=0/05$) از واریانس متغیر بعدارزشی هویت را تبیین کنند. این متغیرها عبارتند از: سن پدر، ارزیابی ارتباط با والدین، تعداد دوستان، گفت‌وگو پیرامون هویت و میزان مطالعه غیردرسی.



Sig.	t	معادله رگرسیون			
		استاندارد Beta	غیر استاندارد Std.E	B	
۰/۰۰۰	۵/۹۰۴	—	۷/۳۰۶	۴۳/۱۳۴	عدد ثابت
۰/۰۹۷	۱/۶۷۵	۰/۱۳۷	۰/۱۰۸	۰/۱۸۰	سن شما چقدر است؟
۰/۰۰۰	-۳/۸۰۵	-۰/۳۲۵	۰/۲۳۰	-۰/۸۷۶	میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی
۰/۰۰۹	-۲/۶۴۴	-۰/۲۴۴	۰/۲۱۱	-۰/۵۵۷	ارزیابی ارتباط با والدین
۰/۰۷۸	-۱/۷۸۲	-۰/۱۶۱	۰/۲۵۴	-۰/۴۵۳	گفت‌وگو پیرامون هویت
۰/۰۶۵	۱/۸۶۴	۰/۱۵۹	۰/۸۱۴	۱/۵۱۸	خودتان را از لحاظ تعداد دوست چگونه ارزیابی می‌کنید

منفی بودن متغیر گفت‌وگو پیرامون هویت، در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد که هرچه فرد بیشتر پیرامون برنامه‌ها، ارزش‌ها و مجموعه صفات و ویژگی‌های خود با دیگران صحبت کند (همان‌گونه که برگر و لاکمن مطرح می‌کنند)، انسجام‌یافتگی هویت او بیشتر و بحران هویت ارزشی او کمتر است.

مثبت بودن علامت متغیر تعداد دوستان، در معادله رگرسیون، نشان می‌دهد که افزایش تعداد دوستان، موجب اغتشاش در الگوپذیری دانش‌آموز از دوستان و عدم توانایی در همانندسازی با آنها می‌گردد و این موجب افزایش بحران هویت ارزشی در فرد می‌شود.

منفی بودن ارزیابی ارتباط با والدین، نشان می‌دهد که هرچه دانش‌آموز از رابطه خود با والدین ارزیابی مثبت‌تری داشته باشد، بحران هویت ارزشی او کمتر است. رابطه والدین و دانش‌آموز در ابعاد مشورت در خانه، پذیرش در خانه، تبادل عاطفی و درک و تفاهم، مورد تحلیل قرار گرفت.

منفی بودن علامت متغیر میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی در معادله خط استاندارد، نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که میزان مطالعه کتاب‌های غیردرسی بیشتری دارند، از بحران هویت ارزشی کمتری رنج می‌برند. مطالعه کتاب‌های غیردرسی شامل مطالعه روزنامه، مجله، کتاب‌های کمک‌درسی و کتاب‌های ادبی و فلسفی است.

مثبت بودن علامت سن پدر در معادله خط استاندارد، نشان می‌دهد که هرچه فاصله سن پدر و فرزند بیشتر باشد، بحران هویت در بعد ارزشی بیشتر است.



نتیجه گیری

در اجتماعات کوچک و محلی که فرهنگ‌ها در چارچوب مرزهای نسبتاً بسته قومی و خویشاوندی قرار داشتند، امکان ساخت نظام معنایی منسجم برای فرد وجود داشت؛ ولی افزایش چشم‌گیر برخوردهای فرهنگی در جامعه معاصر (به واسطه رسانه‌های فراگیری چون تلویزیون، ماهواره و اینترنت) موجب شد که فرد در جریان زندگی خود، محیط‌های فرهنگی متعددی را تجربه کند. در چنین شرایطی، باورداشتن به برتری دنیایی خاص و دفاع از درستی مطلق آن در برابر فرهنگ‌های دیگر، کاری دشوار است. در این هنگام که مهمترین منابع هویت، دچار تزلزل و نسبی‌گرایی می‌شوند، افراد دچار بحران هویت و سرگشتگی معنا می‌گردند.

در چنین شرایطی، تنها کنش خلاقانه انسان است که می‌تواند بسترهای جدیدی را برای بازسازی هویت فراهم آورد؛ یعنی تلاش برای طرح‌افکنی تجربه‌های متعدد در نظام معنایی منسجم. همان‌گونه که جامعه‌شناسان کنش متقابل‌گرا تأکید دارند، این فراگرد معناسازی و هویت‌یابی، صرفاً در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. از این‌رو، گفت‌وگو پیرامون مجموعه صفات و ویژگی‌های خود، موجب انسجام‌بخشی هویت می‌گردد. یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که هرچه دانش‌آموزان پیرامون خود، افکار و برنامه‌هایشان بیشتر با دوستان یا والدینشان صحبت کنند، بحران هویت در آنها کمتر است؛ یعنی توانایی بهتری برای پاسخ به سؤال «کیستم؟» دارند.

یافته‌های دیگر نشان می‌دهد که تأثیر خانواده بر بعد شناختی هویت، کمتر از بعد ارزشی است. به عبارتی، والدین و نظام خانواده، کمتر به عنوان منبع شناختی برای پاسخ به «کیستم» مورد استناد قرار می‌گیرد؛ اما در برنامه‌های شغلی، اعمال مناسبی و رفتار اقتصادی، همچنان خانواده از جایگاه مهمی برخوردار است و ارتباط پیوسته نوجوان با والدین، بر کاهش بحران هویت ارزشی تأثیر بسزایی دارد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که گروه دوستان و همکلاسی‌ها، منبع هویت‌ساز و همچنین بحران‌ساز مهمی است. افزایش تعداد دوستان، بحران هویت را تشدید می‌کند؛ چرا که همانندسازی نوجوان با الگوهای متعدد و پراکنده را مشکل‌تر می‌سازد. در عین حال، سازماندهی روابط دوستانه در قالب همکاری گروهی، تأثیر مثبتی بر کاهش بحران هویت دارد. از این‌رو، متولیان آموزش و پرورش می‌توانند با ایجاد زمینه‌هایی، امکان سازماندهی گروه دوستان و فرصت تعامل و گفت‌وگو را برای دانش‌آموزان فراهم کنند. در این راستا: ۱- برگزاری کلاس‌های



مشاوره در مدارس، ۲- حمایت از گروه‌های فعال دانش‌آموزی مانند گروه‌های هنری، علمی، ورزشی و فرهنگی و همچنین برگزاری جشنواره‌ها و نشریات، می‌تواند بر انسجام‌بخشی هویت دانش‌آموزان و کاهش بحران در آنها تأثیر مثبتی بگذارد.

منابع :

- ۱- امیدیان، مرتضی و شکرشکن، حسین (۱۳۸۲)؛ «بررسی حالت‌های هویت در ابعاد اعتقادی و روابط بین فردی و حوزه‌های فرعی این ابعاد در دانشجویان پسر دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۱۳۸۱-۱۳۸۰»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد*، جلد چهارم، ش دوم، صص ۳۳۱-۳۳۱.
- ۲- برگر، پیتر و لاکمن، توماس (۱۳۷۵)؛ *ساخت اجتماعی واقعیت*، فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- بهروان، حسین (۱۳۸۱)؛ *بررسی انتقادی روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴- حاجی‌حسینی، حسین (۱۳۸۱)؛ *بحران هویت و انحرافات اجتماعی*، کتاب زنان، ش ۱۷، س پنجم.
- ۵- حاجی‌خیاط، علیرضا (۱۳۸۲)؛ «تبیین ابعاد هویت»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد*، جلد چهارم، ش دوم، صص ۱۸۴-۱۶۳.
- ۶- حیدری‌بیگوند، داریوش (۱۳۷۹)؛ «مسئله بحران هویت جوانان»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ش ۴، صص ۱۱۱-۱۰۲.
- ۷- دوران، بهزاد و محسنی، منوچهر (۱۳۸۲)؛ «هویت: رویکردها و نظریه‌ها»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد*، جلد چهارم، ش دوم، صص ۹۰-۳۹.
- ۸- ریتز، جرج (۱۳۷۳)؛ *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، احمد غروبی‌زاده، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۹- زکی، محمدعلی (۱۳۸۲)؛ «ساخت و اعتباریابی مقیاس عوامل جامعه‌پذیری و بررسی تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد*، جلد چهارم، ش دوم، صص ۲۸۱-۳۰۶.
- ۱۰- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ *جوان و بحران هویت*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۱- سیف، سوسن و همکاران (۱۳۷۳)؛ *روان‌شناسی رشد (۱)*، انتشارات سمت.
- ۱۲- شیخ‌روحانی، سعید (۱۳۷۸)؛ *مقایسه میزان اضطراب در پایگاه‌های هویت در دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.



- ۱۳- علوی یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، تعارض نقش و ارزش‌ها در خانه و مدرسه و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت‌های ضد اجتماعی در نوجوانان ایران، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد*، جلد چهارم، ش دوم، صص ۵۸۶-۵۷۱.
- ۱۴- فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱)، *روانشناسی اجتماعی*، منصور قنادیان و مهرداد فیروزبخت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی.
- ۱۵- کارور، چارلز اس و شی یر، مایکل (۱۳۷۵)، *نظریه‌های شخصیت*، احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۶- کوزر، لوئیس (۱۳۷۸)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۱۷- گی روشه (۱۳۷۰)، *کنش اجتماعی*، دکتر هما زنجان‌زاده، چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۱۸- محسنی، نیک‌چهره (۱۳۷۵)، *ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی*، تهران: انتشارات بعثت.
- ۱۹- محفوظی، محمدصادق و جان‌بزرگی، مسمود (۱۳۷۸)، *سیر تحول نظام‌های روان‌شناسی*، تهران: انتشارات جامعه پژوهشگران.
- 20- All port.Gordon (1946); *Personality: a Psychological Interpretation*, New York: Holt press.
- 21- Burke, Peter J. An. "Identity Theory approach to Commitment", *Journal article. Social Psychology Quarterly*. Vol. 54 (3), pp. 239-251.(www.library.bc.edu).
- 22- Cheek.J&Briggs.S.R (1982); *Self-consciousness and Aspects of Identity. Journal of Research in Personality*. Wellesly College. USA.
- 23- Desrochers, S. (2002); "Identity theory", *A Sloan Work and Family Encyclopedia Entry*, hoston college, (www.wfnetwork.bc.edu).
- 24- Flanagan.Owen.(1996); *self expressions*, Oxford University Press.
- 25- Stryker, S. (1968); "Identity theory and role performance", *Journal of Marriage and the Family*, (www.soesci.colorado.edu).
- 26- Turner, Jonatan.H. (1998); *The Structur of Sociological Theory*, sixth edition. Thomson publishing, Hanpshire.uk.
- 27- Tajfel, H. and Turner, J. C. (1986); *The Social Identity Theory of Inter-group Behavior*, In S. Worchel and L. W. Austin (eds.), *Psychology of Intergroup Relations*, Chigago: Nelson-Hall.